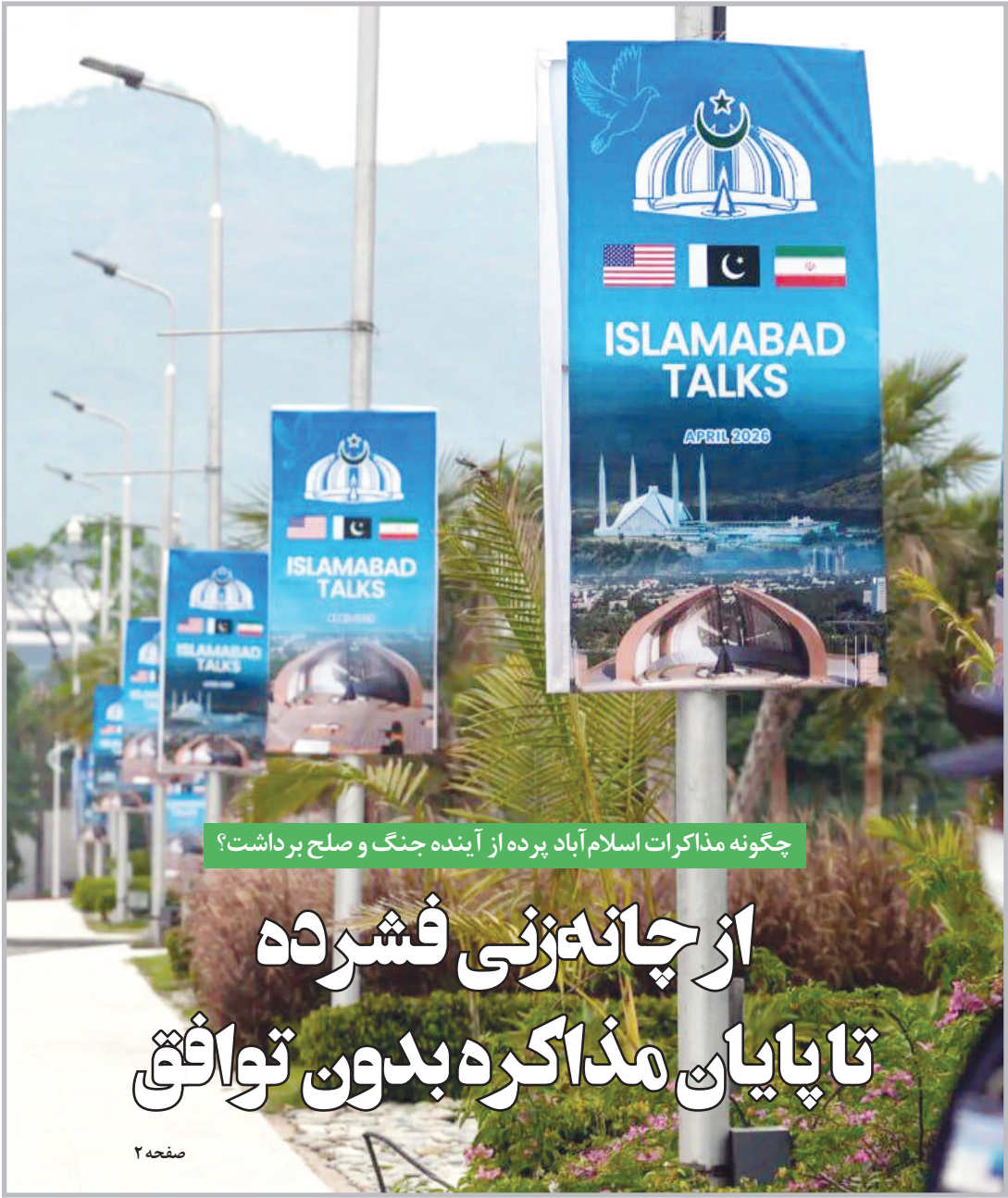


# اتحاد ملت

روزنامه صبح ایران



چگونه مذاکرات اسلام آباد پرده از آینده جنگ و صلح برداشت؟

# از چانه‌زنی فشرده تا پایان مذاکره بدون توافق

صفحه ۲

## اخبار

قالیباف:

**اکنون وقت تصمیم‌گیری آمریکا برای جلب اعتماد ایران است**



«۱- پیش از مذاکرات تأکید کردم که ما حسن نیت و اراده لازم را داریم ولی به دلیل تجربیات دو جنگ قبلی، اعتمادی به طرف مقابل نداریم.

همکاران من در هیات ایرانی میناب ۱۶۸ ابتکارهای رو به جلویی مطرح کردند ولی طرف مقابل در نهایت نتوانست در این دور از مذاکرات اعتماد هیئت ایرانی را جلب کند.

۲- آمریکا منطق و اصول ما را درک کرد و حالا وقت آن است تا تصمیم‌گیرد که آیا می‌تواند اعتماد ما را جلب کند یا نه؟

۳- ما هر آینه، دیپلماسی اقتدار را روش دیگری در کنار مبارزه نظامی برای احقاق حقوق ملت ایران می‌دانیم و لحظه‌ای از تلاش برای تثبیت دستاوردهای چهل روز دفاع ملی ایرانیان دست نخواهیم کشید.

۴- همچنین قدردان تلاش‌های کشور دوست و برادر پاکستان برای تسهیل فرایند این مذاکرات هستم و به ملت پاکستان درود می‌فرستم.

۵- ایران یک پیکر است با ۹۰ میلیون جان، از تمام ملت قهرمان ایران که با توصیه مقام معظم رهبری و با حضور در خیابان پشتیبان فرزندان خود بودند و دعای خیر را بدرقه راه ما کردند سپاسگزارم و به همکارانم در این مذاکرات فشرده ۲۱ ساعته خداقوت می‌گویم.

زنده و پاینده باد ایران عزیز!»

هم‌زمان با اعلام شکست مذاکرات با ایران

**رئیس‌جمهور آمریکا در سالن ورزشی هو شد**

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در سالن مسابقات به دلیل شکست در مذاکرات با ایران هو شد.

باشگاه خبرنگاران جوان- رئیس‌جمهور آمریکا شب گذشته همزمان با پایان مذاکرات نافرجام با ایران، از سوی تماشاگران هو شد.

دونالد ترامپ که به همراه دخترش ابوالثنا، مارک رובیو، وزیر خارجه و دانا وایت به یک سالن ورزشی رفته بودند پس از اعلام عدم دستیابی به توافق با ایران در سالن از سوی هواداران آمریکایی هو شد.

دولتی میل در این‌باره نوشت: ترامپ و دخترانش به همراه وزیر امور خارجه به سالن رقابت‌های UFC در میامی آمدند و به نظر می‌رسید جمعیت در حال تشویق او هستند ولی پس از اعلام شکست در مذاکرات توسط فرستاده ترامپ به پاکستان، برخی تماشاگران او را هو کردند، اما مسئولان برگزاری صدای موزیک را زیاد کردند تا این اعتراض‌ها در هیاهو مخفی بماند.

سایت هندوستان تایمز نیز در این‌باره نوشت: برخی معتقدند بعد از ماجرای جنگ با ایران و شکست در مذاکرات پس از آت‌پس محبوبیت ترامپ در میان مردم آمریکا کم شده است و برخی از کاربران شبکه ایکس گفتند تا بیرون سالن هم صدای هو کردن ترامپ می‌آمد.

مذاکرات اسلام آباد بین هیات‌های ایرانی و آمریکایی پس از ساعت‌ها در حالی به پایان رسید که به نظر می‌رسد رهبران کاخ سفید همچنان در سوءمحاسبه‌ای راهبردی دست‌وپا می‌زنند.

آنچه از سوی منابع رسمی به عنوان دلیل اصلی عدم دستیابی به توافق در مذاکرات اسلام‌آباد مطرح می‌شود «زیاده‌خواهی» آمریکایی‌ها است به شکلی که گویی فرستادگان واشنگتن به رهبری «جی دی ونس» به عنوان برندگان جنگ به دنبال تثبیت دستاوردهای میدانی خود روی میز مذاکرات بوده‌اند.

اظهارات «دونالد ترامپ» نیز همین برداشت از شرایط کنونی را نشان می‌دهد. وی بارها تکرار کرده که نیروی هوایی، دریایی، رادارها و تجهیزات نظامی ایران را طی چهل روز جنگ هدف قرار داده اما واقعیت ماجرا را تحلیل‌گران و صاحب‌نظران مسائل راهبردی به شکل دیگری می‌بینند از جمله «رابرت پیپ» استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو که می‌گوید جنگ جایگاه ایران در معادلات قدرت را دگرگون ساخته و ایرانی‌ها دیگر دلبلی نمی‌بینند به خواست آمریکا تن در دهند.

حمله آمریکایی-صهیونی که نهم اسفندماه ۱۴۰۴ با اهداف اعلامی گسترده و بلندپروازانه آغاز شد، از همان ابتدا واکنش قاطع ایران را به دنبال داشت و به‌سرعت ابعاد منطقه‌ای و حتی جهانی پیدا کرد. در حالی که طراحان این تجاوز بر تحقق اهدافی همچون مهار کامل برنامه هسته‌ای ایران، تضعیف ساختار دفاعی کشور و حتی تغییر نظام سیاسی حساب باز کرده بودند، روند تحولات میدانی و ارزیابی نهادهای معتبر بین‌المللی نشان می‌دهد که فاصله معناداری میان اهداف اعلامی و نتایج واقعی شکل گرفته است و متجاوزان شکست راهبردی بزرگی را متحمل شدند.

**اهداف اولیه جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران**

در آغاز این تجاوز، مقامات آمریکایی و صهیونیستی مجموعه‌ای از اهداف را به‌عنوان دلایل و توجیحات اقدام نظامی خود مطرح کردند. مهم‌ترین این اهداف، مهار یا نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران بود. آنان مدعی بودند که ایران در آستانه دستیابی به توانمندی هسته‌ای نظامی قرار دارد و باید از این مسیر بازداشته شود. تحلیل‌گران «اندیشکده سلطنتی امور بین‌الملل» نیز در همان روزهای ابتدایی جنگ تأکید کردند که هدف اصلی این عملیات، عقب راندن برنامه هسته‌ای ایران و جلوگیری از پیشرفت آن است.

در کنار این هدف، موضوع تغییر نظام سیاسی ایران نیز به‌صورت آشکار یا ضمنی مطرح شد. برخی مقامات آمریکایی با خطاب قرار دادن مردم ایران، آنان را به اقدام علیه حاکمیت دعوت کردند؛ موضوعی که از سوی بسیاری از ناظران به‌عنوان نشانه‌ای از تلاش برای ایجاد تغییر سیاسی از بیرون تفسیر شد. تحلیل‌گران «شورای آتلانتیک» نیز اشاره کرده‌اند که رژیم صهیونیستی از مدت‌ها پیش، فروپاشی ساختار سیاسی ایران را یکی از اهداف راهبردی خود تلقی می‌کرده است.

هدف دیگر، تضعیف توان نظامی و موشکی ایران بود.

آمریکا در امتداد خطای راهبردی

## واقعیت‌های میدانی و شکست

## راهبردی تجاوز به ایران

همین صفحه

صنعت در برابر جنگ تسلیم نشد

# ایستادگی تولید

آسیب‌های ناشی از اصابت مستقیم که منجر به تخریب کامل یا جزئی برخی واحدهای تولیدی شد و دوم، آسیب‌های غیرمستقیم همچون ترکش، موج انفجار و اختلال در زیرساخت‌های حیاتی مانند برق و گاز. این دسته دوم، اگرچه کمتر دیده می‌شوند، اما در بسیاری موارد می‌توانند روند تولید را به‌شدت مختل کنند.

با این حال، یکی از نقاط قوت مهم در این میان، واکنش سریع سیستم‌های امدادرسانی و خدماتی کشور، به‌ویژه شرکت‌های توزیع برق و گاز بود که بلافاصله برای بازگرداندن انرژی به خطوط تولید وارد عمل شدند.

نکته قابل توجه این است که بسیاری از شرکت‌هایی که آسیب مستقیم ندیده بودند، با حس مسئولیت‌پذیری بالا، نه‌تنها فعالیت خود را متوقف نکردند، بلکه تلاش کردند خلأ ایجادشده در بازار را نیز جبران کنند.

شرح در صفحه ۵

تنقضی‌سازی که پرسش برانگیز شده است!	اوضاع بازار نفت زیر سایه شرایط جدید	جنگ به‌طور مستقیم احساس امنیت روانی افراد را هدف قرار می‌دهد
<b>قطع اینترنت، امنیت یا هدف، اینترنت فروشی؟</b>	<b>تنگه هرمز آبراه سرزمینی ایران است</b>	<b>فروپاشی اعتماد اجتماعی پیامد پنهان جنگ</b>
صفحه ۳	صفحه ۴	صفحه ۳

<b>به قلم: جواد عشقی نژاد</b>
<b>سخن نخست</b>
<b>افشای اطلاعات؛ مهم‌ترین شرط بازگشایی بورس</b>

در همین راستا و با توجه به آتش بس دو هفته‌ای ایران و آمریکا، این هفته نیز معاملات بازار سهام متوقف است.

در همین میان یک پرسش بسیار اساسی مطرح شده است که از سرگیری معاملات سهام امری مثبت خواهد بود یا خیر؟

ادامه در صفحه ۲

مذاکرات اسلام آباد و امتداد خطای راهبردی آمریکا

# واقعیت‌های میدانی و شکست راهبردی تجاوز به ایران

تحقیق‌آمیز شده است. به گفته ریتر، عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل نتوانست اهداف اعلام‌شده خود را محقق کند. این عملیات نه تنها به تغییر رژیم در ایران منجر نشد، بلکه برعکس، انسجام و اتحاد و پایداری نظام جمهوری اسلامی را افزایش داد. ریتر هشدار داد که ایران همچنان دارای ذخایر عظیم موشکی است و برای مرحله جدیدی از جنگ آماده می‌شود. او با لحنی جدی افزود: «چون نتوانستیم رژیم را تغییر دهیم، جنگ را باخته‌ایم و حالا همه چیز را از دست خواهیم داد.»

«پولیتکس تودی» نیز در مقاله ای به بررسی یک الگوی تکرارشونده در رفتار نظامی رژیم صهیونیستی پرداخته است: «دستیابی به پیروزی‌های تاکتیکی بدون تحقق اهداف راهبردی». نویسنده با مرور تاریخ از جنگ ۱۹۶۷ تا جنگ‌های لبنان و غزه نشان می‌دهد اسرائیل نتوانسته جنگ هایش را به دستاوردهای سیاسی پایدار تبدیل کند و اغلب با بحران‌های عمیق‌تر مواجه شده است. طبق این گزارش، در حمله مشترک اخیر آمریکا و اسرائیل به ایران نیز همین الگو تکرار شده است. با وجود ضربات اولیه به برخی زیرساخت‌ها و فرماندهان، ایران در مدت کوتاهی توانست پاسخ نظامی گسترده‌ای بدهد که نشان‌دهنده حفظ توان عملیاتی است.

همچنین در حوزه هسته‌ای، این حمله نه‌تنها به حل مسئله کمک نکرد، بلکه ممکن است انگیزه ایران را برای ادامه مسیر افزایش داده باشد، آن هم در شرایطی که مذاکرات دیپلماتیک به مراحل پیشرفته رسیده بود. پولیتکس تودی تأکید می‌کند که این روند برای آمریکا خطرناک‌تر است، زیرا یورو به چنین جنگی موجب تضعیف اعتبار دیپلماتیک، افزایش هزینه‌های اقتصادی، درگیر شدن متحدان و کاهش قدرت بازدارندگی واشنگتن می‌شود. در مجموع، این عملیات به‌جای یک پیروزی راهبردی، نشانه‌ای از فرسایش موقعیت آمریکا و تکرار یک خطای تاریخی در تبدیل موفقیت نظامی به نتیجه سیاسی است.

«سامی العریان» در مقاله‌ای در Middle East Eye نوشت که استراتژی آمریکا و اسرائیل علیه ایران در حال شکست است. به گفته او، علی‌رغم ضربه‌های تاکتیکی، این حملات به موفقیت سیاسی تبدیل نشده‌اند. اهداف اصلی مانند تغییر نظام، خلع سلاح کامل ایران و حذف آن به عنوان ستون مقاومت منطقه‌ای دست‌نیافتنی مانده‌اند. العریان تأکید کرد که آمریکا تعریف روشنی از «پیروزی» ندارد و رویکردش ناسازگار است (از تقاضای تسلیم تا درخواست مذاکره). ایران با استراتژی گسترش میدان نبرد (افزایش اقی: حملات به اسرائیل، پایگاه‌های اقتصادی، تهدید مسیرهای دریایی و انرژی) هزینه‌های اقتصادی و سیاسی سنگینی بر محور آمریکایی-صهیونیستی تحمیل کرد. او افزود که ایران با عمق جغرافیایی، دکترین مقاومت و شبکه محور مقاومت برای جنگ فرسایشی آماده است، در حالی که اسرائیل با جمعیت متمرکز و دکترین جنگ سریع، در درازمدت آسیب‌پذیر است. این جنگ «غیرقابل برد» است و ایران در حال پیروزی استراتژیک است. ادامه آن ممکن است به گسترش منطقه‌ای یا حتی فاجعه بزرگ‌تر منجر شود.

پیش رفته است. به‌جای کاهش نفوذ ایران، دامنه درگیری‌ها گسترش یافت و چندین کشور منطقه درگیر تنش شدند. این امر نه‌تنها به تضعیف ایران منجر نشد، بلکه منطقه را وارد مرحله‌ای از معادلات و ملاحظات جدید سیاسی-امنیتی کرد. در خصوص تنگه هرمز، این گذرگاه همچنان به‌عنوان یک اهرم فشار در اختیار ایران باقی مانده است. افزایش شدید قیمت نفت و نگرانی‌های جهانی درباره امنیت انرژی، نشان می‌دهد که هدف آمریکا برای کنترل این مسیر راهبردی نیز با موفقیت همراه نبوده است.

از منظر اقتصادی، پیامدهای این جنگ برای غرب نیز قابل توجه بوده است. روزنامه گاردین گزارش داده که بازارهای مالی آمریکا با افت شدید مواجه شده‌اند و نگرانی‌ها درباره افزایش تورم و بحران انرژی شدت گرفته است. این شرایط نشان می‌دهد که هزینه‌های این جنگ برای آمریکا و متحدانش بسیار بیشتر از پیش‌بینی‌های اولیه بوده است. در مجموع، بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که این جنگ به‌جای یک پیروزی سریع، به یک درگیری فرسایشی تبدیل شد؛ وضعیتی که نه‌تنها اهداف اولیه را محقق نکرد بلکه هزینه‌های سنگینی نیز به همراه داشت.

**شکست راهبردی آمریکا از نگاه رسانه‌ها**

یکی از مهم‌ترین گزارش‌ها در مورد شکست راهبردی آمریکا در تجاوز به ایران در «قران افرز» منتشر شده است. این رسانه در گزارشی با عنوان «بازی بلندمدت ایران» نوشت: دهه‌ها آماده‌سازی در حال نتیجه‌دادن است. طبق گزارش فارن افرز، با قضاوت بر اساس معیارهای جنگ متعارف، ایران در برابر آمریکا و اسرائیل عملکرد خوبی ندارد. اما این‌ها معیارهای اشتباهی برای ارزیابی موقعیت ایران در جنگ هستند. معیار درست حتی ارزیابی این نیست که آیا ایران به خوبی ضربه می‌پذیرد یا خیر. پرسشی که هنگام پایان جنگ اهمیت خواهد داشت این است که آیا تهران به اهداف راهبردی خود دست می‌یابد یا خیر. و از این نظر، ایران در حال پیروزی است.

بر اساس این گزارش، این نتیجه تصادفی نیست. تهران نزدیک به چهار دهه است که خود را برای این جنگ آماده می‌کند، از زمانی که دولت انقلابی جدید اولین آزمون نظامی بزرگ خود را در جنگ ایران و عراق که از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ به طول انجامید، تجربه کرد و اکنون در حال اجرای استراتژی‌ای است که نتوانسته است چندین سامانه پدافند هوایی کلیدی آمریکا و اسرائیل را خنثی کند، به پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس آسیب شدید وارد کند، فشار اقتصادی قابل توجهی وارد سازد و بین آمریکا و متحدان عرب آن در خلیج فارس شکاف ایجاد کند. به عبارت دیگر، ایران نه تنها از بمباران آمریکا و اسرائیل جان سالم به در می‌برد، بلکه مشکلات جدی اقتصادی و سیاسی که برای دشمنان خود ایجاد می‌کند، در سطح راهبردی، دست بالا را به ایران می‌دهد.

«اسکات ریتر» افسر اطلاعاتی سابق آمریکا نیز در تحلیلی برای کانال «Judging Freedom») در یوتیوب اعلام کرد که آمریکا در مواجهه با ایران متحمل شکست استراتژیک

بر اساس این راهبرد، زیرساخت‌های دفاعی، پایگاه‌های موشکی و سامانه‌های پدافندی ایران باید به‌گونه‌ای هدف قرار می‌گرفت که کشور از قدرت بازدارندگی خود محروم شود. در برخی تحلیل‌ها حتی ادعا شد که این حملات می‌تواند بخش عمده‌ای از توان نظامی ایران را از بین ببرد. همچنین مهار نفوذ منطقه‌ای ایران یکی دیگر از اهداف مهم این تجاوز به شمار می‌رفت. آمریکا و رژیم صهیونیستی بر این باور بودند که با تضعیف ایران، شبکه‌های متحدان منطقه‌ای آن نیز دچار فروپاشی خواهند شد. در همین راستا، توقف حمایت ایران از گروه‌های مقاومت در منطقه به‌عنوان یکی از شروط اصلی مطرح شد.

از سوی دیگر، کنترل تنگه هرمز و تضمین جریان آزاد انرژی نیز در زمره اهداف راهبردی قرار داشت. این گذرگاه حیاتی که بخش بزرگی از انرژی جهان از آن عبور می‌کند، همواره یکی از نقاط حساس در معادلات امنیتی منطقه بوده است و آمریکا تلاش داشت با اعمال فشار نظامی، کنترل آن را در دست بگیرد. در نهایت، هدف کلان‌تر ایجاد یک بازدارندگی بلندمدت علیه ایران بود؛ به این معنا که با وارد آوردن ضربه‌ای قاطع، ایران برای سال‌ها از هرگونه اقدام تهدیدآمیز علیه منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی بازداشته شود.

با گذشت نزدیک به شش هفته از آغاز جنگ و سپس آتش بس، بررسی تحولات میدانی و تحلیل‌های منتشرشده در رسانه‌های بین‌المللی نشان داد که بسیاری از این اهداف نه‌تنها محقق نشده، بلکه در برخی موارد نتیجه‌ای معکوس به همراه داشته است.

در حوزه برنامه هسته‌ای، کارشناسان شورای آتلانتیک تصریح کرده‌اند که حملات انجام‌شده صرفاً باعث تأخیر در روند پیشرفت شده و نتوانسته زیرساخت‌های اصلی را از بین ببرد. این بدان معناست که هدف اصلی یعنی حذف کامل ظرفیت هسته‌ای ایران که بخش مهم آن سرمایه علمی است، تحقق نیافته است.

در زمینه تغییر نظام سیاسی نیز شواهد حاکی از یک شکست آشکار است. ساختار حکومتی ایران همچنان پابرجاست و هیچ نشانه‌ای از فروپاشی داخلی مشاهده نمی‌شود. برعکس حضور گسترده مردم در خیابان باعث شده که یک انسجام و اتحاد کم‌سابقه در ایران به وجود بیاید. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی در گزارشی تأکید کرده است که حتی حملات گسترده و هدف قرار دادن برخی چهره‌های کلیدی نیز نتوانسته خللی جدی در عملکرد نظام سیاسی ایجاد کند.

در حوزه نظامی، ادامه حملات ایران به اهداف مختلف نشان‌دهنده آن است که توان دفاعی کشور همچنان فعال است. خبرگزاری رویترز در گزارش‌های متعدد خود به حملات موشکی و پاسخ‌های نظامی ایران اشاره کرده و تأکید دارد که ایران همچنان قادر به انجام عملیات‌های گسترده است. این وضعیت نشان می‌دهد که هدف تضعیف توان نظامی ایران نیز محقق نشده است.

در سطح منطقه‌ای نیز وضعیت برخلاف پیش‌بینی‌ها